



Iran Data Portal

Speaker or Agency: Five Expatriate Intellectuals

Title: Five Expatriate Intellectuals Issue "The Demands of the Green Movement"

Language: English, Persian

Western Date: 3 January 2010

Persian Date: 13 Dey 1388

Source: <https://www.facebook.com/notes/mir-hosseini-mousavi-myrsyn-mwsy/five-expatriate-intellectuals-issue-the-demands-of-the-green-movement-kwsth-hy-b/236153372605>

Five Expatriate Intellectuals Issue "The Demands of the Green Movement"

Five religious intellectuals, Abdolkarim Soroush, Mohsen Kadivar, Seyyed Ataollah Mohajerani, Abdolali Bazargan, and Akbar Ganji, while expressing their full support for Mir Hossein Mousavi's statement #17, outlined ten demands of the Green movement in their view:

1. Resignation of Ahmadinejad and holding a re-election under the supervision of independent organization, cancelation of the pre-approving screening by the guardian council, and formation of an independent commission consistent of the representatives of the protesters to the election results for legislating new criteria to enable fair and free elections.
2. Release of all political prisoners and the investigation of the cases of torture and assault of the protestors over the past few months in open trials with the

presence of juries and the right to select and have lawyers as well as compensating the victims and their families.

3. Freedom of all media including press, audio and video media and cyber media; allowing the newspapers that were closed down by the government to re-open; permitting independent and non-governmental satellite television channels and the removal of extensive filtering of internet; clearing state-run televisions and radios from liars.

4. Recognizing the right of non-governmental organizations to operate; recognizing the right of people, unions, and women's right activist and other groups to hold peaceful demonstrations as allowed by article 27 of the constitution.

5. Independence of universities and leaving university affairs to the academics; removal of military and paramilitary forces from the universities and shutting down the illegal high commission for Cultural Revolution (government's agency responsible for identifying and removing government's opposition in universities).

6. Immediate trials of the torturers, the operatives and the masterminds of the past crimes especially over the past few months.

7. Giving independence to the judiciary by holding election for its head and clearing the judiciary of unfair puppet judges and stopping show trials.

8. The removal of armed and security forces from the culture, politics and economics scenes.

9. Giving political and financial independence to the seminary schools from the government; stopping the practice of buying the Friday prayer Imams for political goals.

10. All top ranked positions become elected ones with limited terms.

خواستہ های بهینہ جنبش سبز از زبان ۵ تن از روشنفکران دینی

خواستہ های بهینہ جنبش سبز

شش ماه پیش میلیون ها نفر از مردم ایران به خیابان ها آمدند تا حق پایمال شده خود در انتخابات خیانت آلود را مطالبه کنند و به تحقیر و توهین مستمر ملت توسط حکومت اعتراض نمایند. دستگاه های امنیتی و نظامی به این مطالبات آرام و مسالمت آمیز، با خشونت و قساوت پاسخ دادند و کوشیدند از حضور مردم در فضای عمومی جلوگیری کنند و جنبش سبز را مرتبط با کشورهای بیگانه و سیاست دولت های غربی معرفی کنند. تمامیت طلبان تصور می کردند با سرکوب خونین این قیام قانونی، می توان حرکت اعتراضی مردم را همچون گذشته متوقف کرد، اما به رغم همه محاسبات، آتش آگاهی افروخته تر و آهنگ اصلاحات رساتر شد و جنبش را روز به روز بالنده تر و بارورتر ساخت.

درگذشت فقیه عالیقدر آیت الله منتظری که در پنج دهه گذشته، به خصوص شش ماهه اخیر از حقوق اساسی ملت دفاعی جانانه کرده بود و اینک در حساس ترین شرایط آنان را ترک می کرد، چون "رهبر معنوی جنبش" درخشید و جان تازه ای به جنبش بخشید و ظلم هائی که بر او رفته بود زبانه های خشم ملت را در آستانه ماه محرم، ماه حق طلبی و قیام علیه استبداد و ستم، بلندتر کرد. اعتراضات مردم، طبق سنت طولانی تاریخ در فرهنگ تشیع، در روز عاشورا به اوج خود رسید و ملت آگاه با درس گرفتن از پیام حسینی ظلم زمانه را نشانه گرفت.

استبداد دینی که مشروعیت خود را با خشونت و کشتار مردم در روز عاشورا پاک از دست داده بود، از ترفندی نخ نما شده برای تحریک احساسات دینی مردم استفاده کرد و به کمک صدا و سیما و دولتی و بسیج همه نیروهای تحت فرمان کوشید صحنه قیام را وارونه کرده جنبش سبز را متهم به توهین به مقدسات و انکار اعتقادات دینی نماید و با آماج حمله قرار دادن رهبران و چهره های شاخص جنبش سبز و دستگیری احتمالی آنان، این حرکت

را به گمان خود به کلی خاموش سازد.

پوشیده نیست که بخشهای افراطی حاکمیت ایران به این دلیل به خونریزی و خشونت متوسل می شوند که خود را فاقد پایگاه وسیع اجتماعی و آینده امن می دانند. آنها می خواهند رویارویی نهایی و "روز واقعه" را تسریع کنند تا هم نیروهای مردد درون حاکمیت را در مقابل عمل انجام شده قرار دهند، هم نیروی عظیم مردمی و خواستاران دموکراسی و حقوق مدنی و سیاسی را به شورشیانی خشونت ورز تقلیل دهند.

عملکرد این رژیم، افشار بسیار متنوعی از جوانان، زنان، گروه های قومی و مذهبی، روشنفکران، روحانیون، دانشگاهیان، کارگران و فعالان سیاسی را به شدت آزرده کرده است. گفتن "توطئه دشمن" که ولی جائر در طول 20 سال گذشته ترویج و از طریق آن دشمن سازی و ایجاد تفرقه میان ملت می کند (مثل: مطبوعات پایگاه دشمن اند، روشنفکران مزدوران دشمن اند، جنبش سبز توطئه رنگی دشمنان برای براندازی است)، بخش عظیمی از ملت را به جبهه ی دشمن تبدیل کرده که سازمان های سرکوب باید تکلیف آنان را یکسره کنند.

کینه و نفرتی که در سی سال گذشته در سطوح مختلف جامعه انباشته شده، بسیار عمیق و ریشه دار است. این نارضایتی ژرف توان تخریبی عظیمی دارد که در صورت فوران، موج گسترده ای از خشونت را در سطوح مختلف جامعه ایران دامن خواهد زد.

افراطیون حاکم بر دستگاه های سرکوب، تعلق خاطری به ایران ندارند و نگران ریخته شدن خون هزاران ایرانی هم نیستند. آن ها به اقلیت بسیار محدودی از جامعه ی ایران اتکا دارند و تنها ضامن بقای شان اسلحه، شکنجه و ارباب مردم است. تخصص آن ها خشونت است و خشونت را به مهمترین ابزار نزاع های سیاسی تبدیل کرده اند.

خشم و خشونتی که امروز شاهد آنیم، اگر به زبان اصلی سیاست در ایران تبدیل شود، عقلانیت و دموکراسی و تحقق آزادی های مدنی و سیاسی را به حاشیه خواهد راند. زمامداران خودکامه البته کوشش میکنند خشونت را به تظاهرات مسالمت آمیز و پرشکوه میلیون ها ایرانی آزادیخواه تزریق کنند تا چهره دموکراتیک جنبش مخدوش شود، ولی ملت نباید فریب خورده و وارد بازی سازمان های نظامی امنیتی شود.

جنبش سبز ایران در لحظه ی حساس کنونی به طرح مطالبات مشخص و مقدر، طولانی کردن فرآیند اعتراض و جلب مشارکت گسترده افشار متنوع جامعه در تعیین سرنوشت خود نیاز دارد.

این جنبش به عنوان جریانی که نگران آینده ی کشور و سرنوشت آن است ، باید برتری اخلاقی خود را بر زورگویان و شکنجه گران، همان طور که تاکنون نشان داده، ادامه دهد. در این شرایط وظیفه ی مردم آگاه، جوانان فداکار و نیروهای سیاسی، ترسیم مسیر آینده ی جنبش و تدوین خواست های مشخص سیاسی است تا مدارا و مسالمت را جایگزین خشونت تحمیل شده از سوی سرکوبگران کند.

هموطنان گرامی

جنبش سبز ایران مدافع تمامیت ارضی ایران، مخالف حمله ی نظامی به کشور، مخالف دخالت بیگانگان در تعیین سرنوشت مردم ایران و نگران تحریمهای اقتصادی زیانمند به حال ملت ایران است. این جنبش، مسالمت آمیز و ضد خشونت است. نزاع جنبش با اقتدارگرایان، نزاع بر سر رعایت حقوق بشر و گردن نهادن به خواست های دموکراتیک مردم، تحقق جامعه مدنی، مدارا دینی، به رسمیت شناختن تکثر و تنوع در فضای سیاسی کشور و بالاخره نفی ولایت جائز است.

ما به عنوان بخش کوچکی از جنبش سبز سراسری مردم ایران بر این باوریم که در مرحله ی کنونی مهمترین مطالبات جنبش را می توان به قرار زیر اعلام و بر مبنای آن تحرک آینده ی جنبش و مناسبات آن با حاکمیت را تنظیم کرد. بخشی از این خواسته ها را آقای میر حسین موسوی در بیانیه هفدهم خود آورده است که با توجه به تتنگناهای سیاسی داخل کشور جنبه حد اقلی دارد. ما ضمن حمایت کامل از مواضع رهبران جنبش در داخل کشور (موسوی، کروبی و خاتمی) روایت خود را از خواسته های بهینه جنبش سبز مردم ایران در این مرحله به شرح ذیل اعلام می کنیم:

1. استعفای آقای محمود احمدی نژاد و برگزاری مجدد انتخابات ریاست جمهوری تحت نظارت نهادهای بی طرف، لغو نظارت استصوابی، تشکیل کمیسیون مستقل انتخابات با شرکت نمایندگان مخالفان و معترضان به منظور تدوین ضوابط برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه.
2. آزادی کلیه ی زندانیان سیاسی و عقیدتی و بررسی شکایات موارد مربوط به آزار، شکنجه و کشتار معترضان در ماه های اخیر در دادگاه های علنی با حضور هیأت منصفه و برخورداری از وکیل غیر تحمیلی؛ و جبران خسارات وارده به قربانیان سرکوب های اخیر و خانواده ی آنان.
3. آزادی کلیه رسانه ها اعم از مطبوعات و رسانه های صوتی تصویری و مجازی، رفع سانسور و توقیف از

- کلیه ی نشریات توقیف شده، گسترش کانالهای تلویزیونی غیردولتی و ماهواره ای، رفع فیلترینگ از اینترنت، امکان دسترسی آسان به رسانه های فوق الذکر، تصفیه رادیو و تلویزیون از دروغ پردازان و تشنج آفرینان.
4. به رسمیت شناختن حق فعالیت قانونی احزاب سیاسی، جنبش دانشجویی و زنان، NGOها و نهادهای مدنی، اتحادیه های مستقل کارگران و کارمندان، و حق تجمعات اعتراضی مسالمت آمیز مطابق اصل 27 قانون اساسی.
5. استقلال دانشگاهها، سپردن امور دانشگاهها به شیوه دموکراتیک به دست دانشگاهیان، خروج نیروهای نظامی و شبه نظامی از دانشگاه ها و انحلال شورای غیرقانونی عالی انقلاب فرهنگی.
6. محاکمه عاجل شکنجه گران، قاتلان، آمران و عاملان جنایات گذشته بویژه چند ماه اخیر.
7. استقلال قوه قضائیه از طریق انتخابی کردن ریاست آن، انحلال دادگاههای ویژه غیرقانونی، تصفیه قوه قضائیه از قضات ناعادل و گوش بفرمان، برحذر داشتن مقامات قضائی از ایراد خطابه های سیاسی و اجرای منویات مقامات مافوق (دادگاههای فرمایشی) بجای اجرای بیطرفانه و عادلانه قانون.
8. خروج نیروهای نظامی انتظامی امنیتی از قلمرو سیاست و اقتصاد و فرهنگ، و اکتفا به وظایف حرفه ای.
9. رعایت استقلال اقتصادی و سیاسی حوزه های علمی و دولتی نشدن روحانیت. استخدام نکردن تریبون نمازهای جمعه برای صدور احکام خلاف شرع و قانون (از قبیل محارب، مفسد فی الارض، مرتد و باغی).
10. انتخابی کردن، نقدپذیر و پاسخگو کردن همه متصدیان رده اول کشور و محدود کردن دوره تصدی آنان. نپذیرفتن این خواستههای بهینه جنبش سبز، و افزودن سرکوب و ارباب نه تنها ما را از بحران عبور نخواهد داد، بلکه ایران را در بحران عمیق تری فرو خواهد برد، و تبعات سهمگینی از پی خواهد آورد، که مسئولیتش با "صاحب ولایت مطلقه" است.

عبدالعلی بازرگان، عبدالکریم سروش، محسن کدیور، اکبر گنجی، سید عطاء الله مهاجرانی